

# اخبار مالی

ISSN:2588-5820

Website:www.ifnn.ir

Financial  
News

شماره ۴۳ خرداد ماه ۱۴۰۳

پهنا: ۲۰۰۰۰۰ ریال 2Euro



**آیا حذف نفت از اقتصاد امکان پذیر است؟**

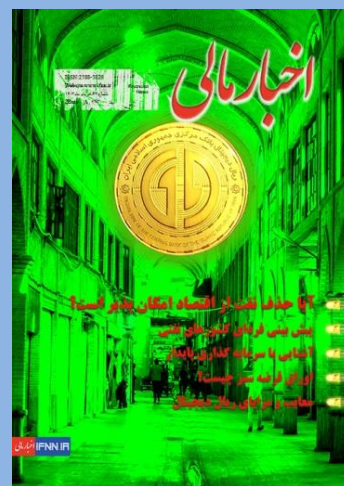
**پیش بینی فردای کشورهای نفتی**

**آشنایی با سرمایه گذاری پایدار**

**اوراق قرضه سبز چیست؟**

**معایب و مزایای ریال دیجیتال**

به نام خداوند جان و خرد  
ماهنامه اخبار مالی - دیجیتال  
شماره ۴۳ خرداد ماه ۱۴۰۳



## فهرست مطالب:

- آیا حذف نفت از اقتصاد امکان پذیر است؟ ..... ۳
- پیش بینی فردای کشورهای نفتی در عصر گذار ..... ۵
- آیا اقتصاد جهان توان ترک اعتیاد به نفت را دارد؟ .. ۱۰
- آشنایی با سرمایه گذاری پایدار (سبز) ..... ۱۳
- اوراق قرضه سبز چیست؟ ..... ۱۷
- معایب و مزایای ریال دیجیتال ..... ۲۰
- پنج پروژه بزرگ منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس  
آماده افتتاح است..... ۲۶
- تقویت حکمرانی ارزی با ایجاد مرکز مبادله ..... ۲۸

...

مدیرمسئول و سردبیر:

جاوید رنجبر فرد شیرازی

همکاران تحریریه: کبری صدقی، الهام  
حدادی، مریم شیرازی، مریم حسینی

صفحه آرا: روزبه فرد

[www.ifnn.ir](http://www.ifnn.ir)

[www.akhbaremalinews.ir](http://www.akhbaremalinews.ir)

Email: [iranpo@gmail.com](mailto:iranpo@gmail.com)

Instagram: [polimalinews](https://www.instagram.com/polimalinews)

Aparat: POLIMALI

نوع انتشار: دیجیتال

نشانی: دفتر مجله

تهران فاطمی خیابان باباطاهر، کوچه

کیوان، پلاک ۲۱، طبقه سوم، واحد ۹

کد پستی: ۱۴۱۴۶۵۳۴۵۵

پست الکترونیک:

[iranpo@gmail.com](mailto:iranpo@gmail.com)

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۹۶۵۲۷۴

صندوق پستی:

تهران - خیابان فاطمی ۱۱۷-۱۴۱۴۵

بازنشر تمام و یا بخشی از مطالب مجله اخبار مالی با ذکر منبع مجاز است.

## آیا حذف نفت از اقتصاد امکان‌پذیر است؟



جاويد ر.ف شیرازی

■ این روزها با افزایش فشار بر بازار نفت با هدف جایگزین کردن سوخت‌های پاک با سوخت‌هایی با منشأ هیدروکربن، نظراتی درباره حذف نفت از اقتصاد به گوش می‌رسد و از آنجا که ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سوخت‌های فسیلی در جهان به شمار می‌آید، این نظر می‌تواند چالش برانگیز است اما آیا این نظریه قابلیت تحقق دارد! و چرا؟

می‌دانیم که هزینه منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، بادی و برق آبی در طول سال‌ها به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و استفاده از آنها را در مقایسه با سوخت‌های فسیلی رقابتی‌تر کرده است. انتظار می‌رود با توجه به قیمت‌های بالای هیدروکربن‌ها و ادامه بحران‌های ژئواکونومیکی این روند ادامه داشته باشد و به طور بالقوه منجر به کاهش تقاضای نفت شود. از سوی دیگر همین حالا هم محبوبیت استفاده از وسایل نقلیه الکتریکی (EVs) در حال افزایش هستند و بسیاری از کشورها اهدافی را برای حذف تدریجی موتورهای احتراق داخلی تعیین کرده‌اند. با افزایش پذیرش EV، تقاضای نفت با هدف استفاده در بخش حمل و نقل پیش‌بینی می‌شود با کاهش روبرو شود.

این یک واقعیت است که افزایش بهره‌وری انرژی در ساختمان‌ها، صنایع و سیستم‌های حمل و نقل می‌تواند تقاضای کلی انرژی را کاهش دهد که ممکن است منجر به کاهش مصرف نفت شود.

همچنین سایر منابع انرژی جایگزین مانند انرژی هسته‌ای، انرژی زمین‌گرمایی و سوخت‌های زیستی در حال توسعه هستند و به صورت بالقوه می‌توانند جایگزین نفت در بخش‌های خاص شوند.

با همه این موارد که مطرح شد، دلایل قدرتمندی وجود دارد که حذف نفت از اقتصاد نه تنها دشوار که غیرممکن است از جمله مهمترین این دلایل عبارتند از:

**زیرساخت ها:** زیرساخت های موجود برای تولید، حمل و نقل و پالایش نفت، گسترده و پیچیده است. برای جایگزینی یا تطبیق این زیرساخت برای منابع انرژی جایگزین، نیاز به سرمایه گذاری های قابل توجهی وجود دارد.

**تقاضای جهانی:** نفت هنوز یک منبع انرژی حیاتی برای بسیاری از کشورها، به ویژه برای حمل و نقل و اهداف صنعتی است. پاسخگویی به تقاضای جهانی نفت مستلزم تغییر قابل توجهی در الگوهای تولید و مصرف انرژی است.

**ذخیره انرژی:** متناوب بودن منابع انرژی تجدیدپذیر به این معنی است که راه حل های ذخیره انرژی برای اطمینان از تامین انرژی پایدار مورد نیاز است. در حال حاضر، هزینه و کارایی راه حل های ذخیره سازی انرژی بامحدودیت های قابل توجه روبرو هستند.

### پیامدهای اقتصادی و اجتماعی:

انتقال ناگهانی از عصر نفت به عصر انرژی های پاک می تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مهمی از جمله مانند از دست دادن شغل، تغییر در الگوهای تجارت جهانی و اختلالات احتمالی در تولید و زنجیره تامین مواد غذایی بوجود آورد.

**کاربردهای غیر سوختی** هیدروکربن ها تنها به عنوان سوخت مورد استفاده قرار نمی گیرند. بخش بزرگی از مواد مصرفی امروز بشر از پارچه تا کود شیمیایی و مواد سنتتیک و ... دارای پایه های هیدروکربنی هستند که هنوز جانشین های مطمئنی در چرخه تامین مواد و تولید برای آنها پیدا نشده است. می دانیم که در شرایط موجود به صورت تقریبی جهان برای پاسخگویی به تقاضای بازار و تولید در سطح فعلی روزانه به ۱۰ میلیون بشکه نفت معادل ۳,۶۵ میلیارد بشکه در سال و ۱۵۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال نیازمند است.

از طرف دیگر در بخش سوخت نفت مورد استفاده در حدود ۹۰ میلیون بشکه در روز، معادل ۳۲,۸۵ میلیارد بشکه در سال و گاز طبیعی مورد استفاده نیز سالانه به صورت تقریبی ۳۸۰۰ میلیارد مترمکعب برآورد شده است. با توجه به این موارد به نظر می رسد، در حالی که امکان کاهش مصرف نفت و انتقال به سمت منابع انرژی جایگزین وجود دارد، حذف نفت و گاز از اقتصاد به طور کامل یک کار پیچیده و چالش برانگیز و تقریباً غیر ممکن است. هرچند که ساختارها برای کاهش مصرف هیدروکربن ها در حال شکل گرفتن هستند اما تحقق تنها درصدی از کاهش وابستگی به هیدروکربن ها، مستلزم سرمایه گذاری قابل توجه در زیرساخت ها، تحقیق و توسعه و تغییر سیاستها برای حمایت از انتقال گسترده به منابع انرژی جایگزین و فرهنگ سازی و همکاری های گسترده بین المللی است.

# پیش بینی فردای کشورهای

## نفتی در عصر گذار

تهیه و تنظیم: مریم شیرازی

### Oil Production

BY COUNTRY IN 2021

Production in Thousand Barrels Per Day\*

○ OPEC Countries ○ Non-OPEC Countries

Total Production  
**89,876**

**Saudi Arabia**, the largest exporter of crude oil, plans to raise its production capacity to a maximum of 13 million barrels per day by 2027.

The U.S. is both the world's largest producer and consumer of oil.

**Russia** accounted for 25% of the EU's oil imports in 2021 and has exported over \$48B worth of oil since the invasion.

#### Oil Production by Region (Thousand B/D)



\*Includes crude oil, shale oil, oil sands, condensates that require further refining, and natural gas liquids. Excludes liquid fuels from other sources and oil shales/kerogen extracted in solid form.

Source: BP Statistical Review of World Energy 2022

■ اخبار مالی - گذر به عصر بعد از هیدروکربن ها که با عنوان انتقال نیز شناخته می‌شود، به فرآیند دور شدن کشورها از اتکا به نفت و گاز به عنوان منبع اصلی درآمد و انرژی اشاره دارد. این می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر کشورهای تولیدکننده نفت، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی داشته باشد. در اینجا قصد داریم به صورت خلاصه نگاهی داشته باشیم به اثرات این انتقال بر روی کشورهای وابسته به صادرات هیدروکربن. در اینجا این اثرات را در سه بخش کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### اثرات کوتاه مدت

انقباض اقتصادی: کاهش درآمدهای نفتی می‌تواند منجر به کاهش مخارج دولت، کاهش رشد اقتصادی و به طور بالقوه حتی رکود شود.

به عنوان نمونه، درآمد نفتی نروژ حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد. اگر قیمت نفت کاهش یابد، دولت نروژ ممکن است نیاز به کاهش هزینه در بخش خدمات عمومی پیدا کند که در نتیجه این وضعیت می‌تواند منجر به انقباض اقتصادی در کوتاه مدت می‌شود.

همچنین می‌دانیم که صنعت نفت یک کارفرمای مهم در بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت است. با کاهش تولید، احتمال از دست رفتن بخش قابل توجهی از فرصت‌های شغلی و رخداد بیکاری گسترده محتمل مینماید.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد در کوتاه مدت اقتصادهای نفتی با ورود به عصر گذار با رکود مواجه شوند که در نتیجه آن نرخ رشد داخلی آنها حداقل برای یک دهه با کاهش روبرو خواهد شد.

### اثرات میان مدت:

در میان مدت کشورهای که به شدت به صادرات نفت متکی هستند، باید اقتصاد خود را متنوع کنند تا وابستگی خود را به یک کالا کاهش دهند. این ممکن است منجر به رشد در سایر بخش‌ها مانند تولید، خدمات یا گردشگری شود.

به علاوه دولت‌ها ممکن است در صنایع نوظهوری مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری پاک یا زیرساخت‌های پایدار سرمایه‌گذاری کنند تا فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کرده و رشد اقتصادی را تحریک کنند.

همچنین با کاهش صنعت نفت پیش‌بینی ثنوع ناآرامی‌های اجتماعی، به ویژه در مناطقی که نفت منبع اصلی درآمد و اشتغال بوده است محتمل به نظر می‌رسد.

به عنوان یک نمونه، امارات متحده عربی در حال برنامه‌ریزی برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود با سرمایه‌گذاری در گردشگری، املاک و مستغلات و پشتیبانی کالا و خدمات است. این کشور در حال حاضر پیشرفت قابل توجهی در توسعه بخش‌های غیرنفتی خود مانند خدمات مالی و آموزش داشته است با این حال ژئیت بینی می‌شود اقتصاد امارات با شروع دوره انتقال به عصر بعد از هیدروکربن با سرعت کمتری نسبت به قبل (حدود ۳ درصد در سال) به رشد خود ادامه دهد. با این حال این کشور با فعالیت‌هایی که پیش از شروع دوره گذار انجام داده است شاهد اقتصاد متنوع‌تری خواهد بود و کمتر به صادرات نفت وابستگی خواهد داشت.

#### **اثرات بلند مدت:**

با گذار جهان به اقتصاد کم‌کربن، کشورهای تولیدکننده نفت باید اقتصاد خود را برای رویارویی با این واقعیت جدید آماده کنند. این ممکن است شامل سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر، ذخیره انرژی و حمل و نقل الکترونیکی باشد.

این کشورها با گذار به اقتصاد کم‌کربن می‌توانند فرصت‌های جدیدی را برای توسعه

پایدار ایجاد کنند، مانند تولید هیدروژن سبز، جذب و ذخیره کربن یا کشاورزی پایدار. کشورهای وابسته به صادرات هیدروکربن با تغییر چشم‌انداز انرژی جهانی ممکن است نیاز به همکاری با سایر کشورها برای توسعه فناوری‌های جدید و به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها در تولید انرژی پایدار داشته باشند.

به عنوان یک نمونه، برزیل در حال سرمایه‌گذاری‌های عظیم در بخش منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی است و قصد دارد تا سال ۲۰۵۰ به صادرکننده خالص انرژی پاک تبدیل شود. قابل پیش بینی است که اقتصاد این کشور با تبدیل شدن به یک بازیگر اصلی در بازار جهانی انرژی پاک، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، رشد قابل توجهی (حدود ۵ درصد در سال) را تجربه خواهد کرد.

از سوی دیگر ایران و عربستان سعودی به عنوان دو شکور مطرح تولیدکننده هیدروکربن، احتمالاً در کوتاه مدت انقباضات اقتصادی قابل توجهی را تجربه خواهند کرد. با این حال، با ذخایر عظیم گاز طبیعی و پتانسیل برای تولید انرژی خورشیدی، ممکن است موقعیت خوبی برای گذار به اقتصاد کم کربن را با خود به همراه داشته باشد.

اقتصاد روسیه نیز که به شدت به صادرات نفت متکی است، با سرمایه‌گذاری قابل توجهی در انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید گاز طبیعی ممکن است بتواند خود را با این انتقال منطبق کند.

نتیجه این که حذف هیدروکربن اثرات قابل توجهی بر کشورهای تولیدکننده نفت، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی خواهد داشت. در حالی که چالش‌های جدی پیش رو وجود دارد، بسیاری از کشورها این ظرفیت را دارند که با متنوع سازی اقتصاد خود به آینده ای با کربن پایین برسند در این میان به نظر می رسد توسعه همکاری بین المللی و سرمایه گذاری در صنایع نوظهور برای سازگاری موفقیت آمیز حیاتی باشد. / اخبار مالی





آیا اقتصاد جهان

توان ترک اعتیاد

به نفت را دارد؟

تهیه و تنظیم: کبری صدقی خلجان

■ اخبار مالی - حذف نفت از اقتصاد یک گزینه چالش برانگیز است، زیرا نفت یک

منبع انرژی عمیقاً ریشه‌دار و پرکاربرد است. با این حال تحقق این گزینه غیر

ممکن نیست. در ادامه چند دلیل برای تحقق این گزینه معرفی میشود:

#### منابع انرژی تجدیدپذیر:

هزینه منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، بادی و برق آبی در طول سال‌ها به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و استفاده از آنها را در مقایسه با سوخت‌های فسیلی رقابتی‌تر کرده است. انتظار می‌رود با توجه به قیمت‌های بالای هیدروکربن‌ها و ادامه بحران‌های ژئواکونومیکی این روند ادامه داشته باشد و به طور بالقوه منجر به کاهش تقاضای نفت شود.

#### برقی کردن صنعت حمل و نقل:

همین حالا هم محبوبیت استفاده از وسایل نقلیه الکتریکی (EVs) در حال افزایش هستند و بسیاری از کشورها اهدافی را برای حذف تدریجی موتورهای احتراق داخلی تعیین کرده‌اند. با افزایش پذیرش EV، تقاضا برای نفت با هدف استفاده در بخش حمل و نقل پیش‌بینی می‌شود با کاهش روبرو شود.

#### بهره‌وری انرژی:

بهبود بهره‌وری انرژی در ساختمان‌ها، صنایع و سیستم‌های حمل و نقل می‌تواند تقاضای کلی انرژی را کاهش دهد که ممکن است منجر به کاهش مصرف نفت شود.



### منابع انرژی جایگزین:

سایر منابع انرژی جایگزین مانند انرژی هسته ای، انرژی زمین گرمایی و سوخت های زیستی در حال توسعه هستند و به صورت بالقوه می توانند جایگزین نفت در بخش های خاص شوند.

البته دلایلی نیز وجود دارد که حذف نفت از اقتصاد ممکن است دشوار باشد، موارد زیر از جمله مهمترین این دلایل به شمار می رود:

### زیرساخت ها:

زیرساخت های موجود برای تولید، حمل و نقل و پالایش نفت، گسترده و پیچیده است. برای جایگزینی یا تطبیق این زیرساخت برای منابع انرژی جایگزین، نیاز به سرمایه گذاری های قابل توجهی وجود دارد.

## تقاضای جهانی:

نفت هنوز یک منبع انرژی حیاتی برای بسیاری از کشورها، به ویژه برای حمل و نقل و اهداف صنعتی است. پاسخگویی به تقاضای جهانی نفت مستلزم تغییر قابل توجهی در الگوهای تولید و مصرف انرژی است.

## ذخیره انرژی:

متناب بودن منابع انرژی تجدیدپذیر به این معنی است که راه حل های ذخیره انرژی

برای اطمینان از تامین انرژی پایدار

مورد نیاز است. در حال حاضر،

هزینه و کارایی راه حل های

ذخیره سازی انرژی با محدودیت های

قابل توجه روبرو هستند.

## پیامدهای اقتصادی و اجتماعی:

انتقال ناگهانی از عصر نفت به عصر

انرژی های پاک می تواند پیامدهای

اقتصادی و اجتماعی مهمی از جمله

مانند از دست دادن شغل، تغییر در الگوهای تجارت جهانی و اختلالات احتمالی در تولید

و زنجیره تامین مواد غذایی بوجود آورد.

در نتیجه، در حالی که امکان کاهش مصرف نفت و انتقال به سمت منابع انرژی جایگزین

وجود دارد، حذف نفت از اقتصاد به طور کامل یک کار پیچیده و چالش برانگیز است. این

امر مستلزم سرمایه گذاری قابل توجهی در زیرساخت ها، تحقیق و توسعه، و تغییر

سیاست ها برای حمایت از انتقال گسترده به منابع انرژی جایگزین است مواردی که به

ویژه پس از کنوانسیون اب و هوایی پاریس مورد توجه قرار گرفته و با قدرت در حال پی

گیری است.

منبع: تولید سبز



آشنایی با

سرمایه گذاری پایدار

(سبز)

تهیه و تنظیم: جاوید رف شیرازی

■ اخبار مالی - سرمایه‌گذاری سبز به تخصیص منابع مالی به پروژه‌ها، محصولات یا خدماتی گفته می‌شود که هدف آن کاهش اثرات زیست‌محیطی، ارتقای مسئولیت اجتماعی و افزایش پایداری اقتصادی است. هدف از سرمایه‌گذاری سبز ایجاد بازده مالی و در عین حال کمک به آینده‌ای پایدارتر است. به سرمایه‌گذاری سبز سرمایه‌گذاری پایدار و همچنین سرمایه‌گذاری مسئولانه زیست‌محیطی نیز گفته می‌شود.

#### الف-انواع سرمایه‌گذاری سبز:

##### سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر:

سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی، بادی، آبی یا زمین‌گرمایی برای کاهش اتکا به سوخت‌های فسیلی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای.

##### سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایدار:

سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های سبز، سیستم‌های حمل و نقل و سیستم‌های مدیریت آب که باعث ارتقای بهره‌وری انرژی و کاهش اثرات زیست‌محیطی می‌شود.

##### سرمایه‌گذاری در کشاورزی پایدار:

سرمایه‌گذاری در شیوه‌های کشاورزی ارگانیک، زراعت جنگلداری و کشاورزی احیاکننده برای ارتقای سلامت خاک، تنوع زیستی و انعطاف‌پذیری آب و هوا.

##### سرمایه‌گذاری در فن‌آوری‌های محیطی:

سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که فناوری‌هایی را توسعه داده و ارائه می‌دهند که آلودگی را کاهش می‌دهد، منابع را حفظ می‌کند و شیوه‌های پایدار را ترویج می‌کند.



### سرمایه گذاری در اوراق قرضه سبز:

سرمایه گذاری در اوراق قرضه ای که پروژه ها یا ابتکارات زیست محیطی خاصی را تأمین مالی می کند، مانند پروژه های انرژی تجدیدپذیر یا زیرساخت های سبز.

### سرمایه گذاری در تأثیر گذارها:

سرمایه گذاری در شرکت هایی که به مسائل اجتماعی و زیست محیطی مانند آموزش، مراقبت های بهداشتی و کاهش فقر می پردازند.

### سرمایه گذاری (ESG) محیط زیست، اجتماعی و حکومت:

سرمایه گذاری در شرکت هایی که پایداری زیست محیطی، مسئولیت اجتماعی و شیوه های حکمرانی خوب را در اولویت قرار می دهند.

### ب-مزایای سرمایه گذاری سبز عبارتند از:

سرمایه گذاری سبز می تواند به کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، حفظ منابع طبیعی و ارتقای تنوع زیستی کمک کند.

## بازده مالی:

سرمایه گذاری سبز می تواند بازده مالی رقابتی را از طریق کاهش هزینه های عملیاتی، افزایش کارایی و بهبود شهرت برند ایجاد کند.

## مزایای اجتماعی:

سرمایه گذاری سبز می تواند پایداری اجتماعی را با ایجاد شغل، بهبود رفاه جامعه و افزایش کیفیت کلی زندگی ارتقا دهد.

## مدیریت ریسک:

سرمایه گذاری سبز می تواند به کاهش خطرات زیست محیطی و ریسک های شهرت مرتبط با شیوه های ناپایدار کمک کند.

## پ- چالش ها و محدودیت های سرمایه گذاری سبز:

### ۱- هزینه های اولیه بالاتر:

سرمایه گذاری سبز اغلب به هزینه های سرمایه ای قابل توجهی نیاز دارد.

### ۲- عدم قطعیت نظارتی:

سرمایه گذاری سبز اغلب در معرض تغییر محیط ها و سیاست های نظارتی است.

### ۳- نوسانات بازار:

سرمایه گذاری سبز می تواند تحت تأثیر نوسانات بازار و نوسانات قیمت کالاها باشد.

### ۴- عدم استانداردسازی:

صنعت سرمایه گذاری سبز فاقد معیارهای استاندارد و چارچوب های گزارش دهی است.

با وجود چالش های پیش رو، سرمایه گذاری سبز از اهمیت فزاینده ای برخوردار شده است چرا که دولت ها و شرکت ها اهداف بلندپروازانه پایداری را برای مقابله با تغییرات آب و هوا، تخریب محیط زیست و نابرابری اجتماعی تعیین می کنند.

منبع: تولید سبز



# اوراق قرضہ سبز

## چیست؟

تہیہ و تنظیم: کبری صدقی خلیجان

■ اخبار مالی - اوراق قرضه سبز یا اوراق قرضه پایدار (GSS) نوعی سرمایه گذاری با درآمد ثابت است که برای تأمین مالی پروژه هایی با تأثیرات زیست محیطی مثبت استفاده می شود. حجم انتشار این اوراق تا پایان ۲۰۲۳ به ۵ تریلیون دلار بالغ شد. مانند اوراق قرضه سنتی، اوراق قرضه سبز بازدهی اعلام شده و تعهدی را برای استفاده از درآمد حاصله جهت تأمین مالی یا بازپرداخت پروژه های پایدار، به طور جزئی یا کلی به سرمایه گذاران، ارائه می دهد. این اوراق در واقع ابزارهای بدهی هستند که برای جمع آوری منابع مالی برای پروژه های دوستدار محیط زیست منتشر می شوند. آنها نشان دهنده یک راه حل مالی نوآورانه برای مقابله با تغییرات آب و هوا و حمایت از توسعه پایدار هستند. با سرمایه گذاری در اوراق قرضه سبز، سرمایه گذاران می توانند در پروژه هایی مشارکت کنند که اثرات زیست محیطی مثبتی دارند، مانند انرژی های تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی، و پیشگیری از آلودگی.

مفهوم اوراق قرضه سبز در سال ۲۰۰۷ توسط بانک سرمایه گذاری اروپا معرفی شد و از آن زمان، بازار رشد قابل توجهی داشته است. با توجه به ابتکار اوراق قرضه آب و هوایی، انتشار اوراق قرضه سبز جهانی به رکورد ۲۶۹,۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسید که ۵۵ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت. این رشد نشان دهنده علاقه فزاینده سرمایه گذاران به حمایت از پروژه های سازگار با محیط زیست است.

در حال حاضر، نهادهای مختلف، از جمله دولت ها، مؤسسات مالی و شرکت ها، اوراق قرضه سبز را برای تأمین مالی پروژه های پایدار خود منتشر می کنند. درآمد حاصل از این اوراق به پروژه های سبز واجد شرایط اختصاص می یابد که معمولاً با معیارهای خاصی هدایت می شوند و توسط ارزیاب های مستقل تأیید می شوند. این معیارها ممکن است شامل اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، اصول اوراق قرضه سبز یا سایر چارچوب های شناخته شده باشد.

اوراق قرضه پایدار به دلیل پتانسیل آنها برای بسیج سرمایه گذاری در مقیاس بزرگ در پروژه های پایدار محبوبیت پیدا کرده است، در حالی که به سرمایه گذاران فرصتی برای

تنوع بخشیدن به پرتفوی خود و به طور بالقوه بازده رقابتی ارائه می دهد. علاوه بر این، آنها به گذار به اقتصاد کم کربن کمک می کنند و به مقابله با چالش های زیست محیطی جهانی کمک می کنند.

در نتیجه، در حالی که ارائه رقم دقیقی برای میزان اوراق قرضه بدهی سبز فروخته شده تا پایان سال ۲۰۲۳ دشوار است، بازار در سال های اخیر به دلیل افزایش قیمت حامل های انرژی و تعهد به کنوانسیون پاریس جهت کاهش دمای زمین به سرعت در حال رشد بوده است. اوراق قرضه سبز به عنوان یک ابزار مالی مهم برای حمایت از توسعه پایدار و مبارزه با تغییرات آب و هوایی عمل می کند. از آنجایی که آگاهی و تقاضا برای سرمایه گذاری سبز همچنان در حال رشد است، این احتمال وجود دارد که بازار اوراق قرضه سبز در سال های آینده به گسترش خود ادامه دهد.

منبع: تولید سبز



گزارش:

# معایب و مزایای ریال دیجیتالی بانک مرکزی ج.ا.ایران

نویسنده: جاوید رنجبر فرد شیرازی



■ اخبار مالی - مزایا و معایب انتشار ارز دیجیتال ملی یا ارز دیجیتال بانک مرکزی در چیست و ریال دیجیتال که به تازگی نسخه اجرایی آن از سوی بانک مرکزی ج.ا.ایران روانه بازار شده (شروع استفاده در جزیره کیش از سوم تیرماه ۱۴۰۳) چه تاثیراتی را می تواند در پی داشته باشد؟ البته ریال دیجیتال تازه در اول راه است و هنوز از ویژگی های آن اطلاعات دقیق، ریز و مستندی به جز خبر کلی بانک مرکزی ج.ا.ایران منتشر نشده است. با این حال به دلیل اهمیت موضوع و تاثیر مستقیم و سریع آن بر زندگی میلیونها هموطن ایرانی و بازار منطقه (به دلیل درهم تنیدگی بازار ایران در مناطق شرق مدیترانه، جنوب آسیا، قفقاز و آسیای میانه) در این گزارش سعی می کنیم ضمن معرفی ارز دیجیتال ملی نگاهی به مزایا و معایب آن داشته باشیم.

#### - ارز دیجیتال ملی (CBDC) چیست؟

ارز دیجیتال بانک مرکزی یا ملی یک ارز دیجیتال یا مجازی است که توسط بانک مرکزی یا مقام پولی یک کشور صادر می شود. این یک شکل جدید از ارز فیات (اسکناس و سکه) است که فقط به صورت الکترونیکی وجود دارد و از مابه ازای فیزیکی برخوردار نیست.

#### انواع ارزهای دیجیتال ملی:

1 - ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC)، صادر شده توسط بانک مرکزی یا مقام پولی  
2 - با پشتوانه دارایی های دولت یا بانک مرکزی که اغلب برای حفظ ارزش ارز فیات طراحی شده است مثل DCEP چین و دلار باهاما

#### ۲- ارزهای دیجیتال غیرمتمرکز (DDC)

- این ارز توسط مقام مرکزی صادر نشده است بلکه طراحی شده تا عملکرد مستقل از بانک های مرکزی یا دولت داشته باشد با این حال می تواند بر اساس فناوری بلاک چین یا دیگر معماری های غیرمتمرکز با این مراکز در تعامل قرار گیرد.

#### ۳- ارزهای دیجیتال ملی هیبریدی

- این ارز ترکیبی از هر دو نمونه CBDC و DDC است و ممکن است توسط بانک مرکزی صادر شود اما در یک شبکه غیرمتمرکز فعالیت کند این ارز می تواند تعادلی بین قدرت مرکزی و تمرکززدایی ایجاد کند مثل پروژه Ubin سنگاپور که در حال حاضر در مرحله توسعه است.

#### ۴- ارزهای دیجیتال پشتوانه ارز فیات



ارز دیجیتال ملی با پشتیبانی ارز فیات یک کشور (به عنوان مثال، دلار آمریکا، یورو) طراحی شده تا از ارزش ارز کشور حمایت کند. از این ارز ملی اغلب برای مقاصد خاص، مانند پرداخت های برون مرزی یا تراکنش های خرد استفاده می شود مثل کرون الکترونیکی سوئد که هم اکنون در مرحله مفهومی است.

#### ۵- ارزهای دیجیتال با پشتوانه کالا

ارز دیجیتال ملی دیگر رازری است با پشتوانه یک کالا یا دارایی، مانند طلا یا نفت که برای حفظ ارزش کالای اساسی مورد استفاده قرار می گیرد و اغلب برای اهداف خاص، مانند تجارت بین المللی یا سرمایه گذاری استفاده می شود.

#### ۶- ارزهای دیجیتال با پشتوانه ارزهای دیجیتال

این نوع ارز دیجیتال بانک مرکزی با پشتیبانی یک ارز دیجیتال مثل، بیت کوین و اتریوم منتشر می شود، این ارز طراحی شده تا از ارزش رمز ارز اصلی حمایت کند. از این نوع ارز اغلب برای مقاصد خاص، مانند پرداخت های فرامرزی یا سرمایه گذاری استفاده می شود.

#### ۷- ارزهای دیجیتال مبتنی بر حفظ حریم خصوصی

یک نوع ارز دیجیتال ملی نیز وجود دارد که برای حفظ حریم خصوصی و ناشناس ماندن تراکنش ها طراحی شده که ممکن است از فناوری بلاک چین یا روش های دیگر برای پنهان کردن اطلاعات تراکنش استفاده کند، مثل DCEP چینود دلار باهاما .

اما ارزهای دیجیتال ملی دارای مزایا و معایبی هستند.

## مزایای ارز دیجیتال ملی:

الف- این ارزها باعث افزایش شمول مالی می شوند ارزهای دیجیتال ملی می توانند خدمات مالی را به جمعیت های محروم، مانند افراد دورمانده از خدمات پولی و مالی بانکی گسترش دهند.

ب- همچنین باعث بهبود کارایی پرداختها شوند. ارزهای دیجیتال بانک مرکزی می توانند زمان و هزینه های تراکنش را کاهش دهند و آنها را نسبت به روش های پرداخت سنتی کارآمدتر کنند.

پ- با استفاده از آنها به نظر می رسد امنیت افزایش تراکنش ها در بخش ضد پولشویی و مقابله با تروریسم افزایش پیدا می کند.

ت- کاربرد مثبت دیگر ارز دیجیتال ملی استفاده به عنوان ابزارهای سیاست پولی است. بانک های مرکزی می توانند از ارزهای دیجیتال ملی برای اجرای موثرتر سیاست های پولی مانند تعیین نرخ بهره یا کنترل تورم استفاده کنند.

ث- و مورد آخر اینکه انتشار ارز دیجیتال ملی به جای اسکناس و سکه می تواند باعث کاهش هزینه های ناشی از ذخیره، انتقال و یا امحای پول فیزیکی شود.

## معایب ارزهای دیجیتال ملی :

الف- مورد نخست عدم قطعیت نظارتی است: ارزهای دیجیتال ملی ممکن است با چالش ها و عدم قطعیت نظارتی مواجه شوند که می تواند بر پذیرش آنها تأثیر عمیقی بر جای گذارد. در نظام بانکی ایران علی رغم تلاش های بسیار همچنان نظارت یکی از نقاط ضعف حاکمیت نظام بانکی به شمار می رود. عدم رعایت نرخ سود بانکی و عدم رعایت سهمیهسبد سرمایه گذاری و ... از جمله این موارد است.

ب-مورد بعدی ریسک نقدینگی است. نقدینگی ارزهای دیجیتال ملی به نرخ های پذیرش و الگوهای استفاده وابسته است که می تواند بسیار غیرقابل پیش بینی باشد. با توجه به این که در نظر ایت اقتصاد یساستی کشور همچنان ارتباط انتشار پول و تورم مورد چالش قرار دارد، و رشد نقدینگی و پایه پولی به دلایل گوناگون بالا است، ارز دیجیتال ملی می تواند با انتشار بالا و تسهیل در گردش پول به نرخ تورم دامن بزند.

پ- نکته مهم دیگر در بخش معایب ارز دیجیتال ملی وجود ریسک های فناوی است: ارزهای دیجیتال ملی ممکن است در برابر خطرات فنی، مانند هک یا خرابی سیستم، آسیب پذیر باشند. از این منظر ریسک آسیب پذیری دارایی های سپرده گذاران قابل توجه خواهد بود.

ت- نگرانی های حفظ حریم خصوصی داده ها موضوع مهم دیگری است. ارزشهای دیجیتال ملی نگرانی هایی را در مورد حفظ حریم خصوصی و نظارت بر داده ها ایجاد کرده اند. ارزش دیجیتال ملی کنترل بسیار قابل توجهی را بر تمامی فعالیت های پولی و مالی شهروندان اعمال می کند که می تواند توسط مراکز خاص مورد سوء استفاده قرار گیرد.

نمونه هایی از ارزشهای دیجیتال ملی:

**الف- پرداخت الکترونیکی با ارز دیجیتال چین (DCEP) که به عنوان یوان دیجیتال نیز شناخته می شود، ارز دیجیتال ملی چین است که توسط بانک خلق چین (PBOC) صادر می شود.**

راه اندازی: ۲۰۲۰

ویژگی ها: معماری غیرمتمرکز، تراکنش های ناشناس، تسویه حساب فوری و کارمزدهای پایین

کاربری: به طور گسترده برای معاملات شخصی و تجاری در چین در دسترس است پذیرش: استفاده بین المللی محدود، با برخی آزمایشات و مشارکت با شرکت های خارجی

**ب- کرون الکترونیکی سوئد یک ارز دیجیتال ملی پیشنهادی توسط Sveriges Riksbank، بانک مرکزی سوئد است.**

صادر شده توسط: Sveriges Riksbank (بانک مرکزی سوئد)

وضعیت: فاز مفهومی، با مطالعه امکان سنجی تکمیل شده در سال ۲۰۱۹

ویژگی ها: معماری متمرکز، ناشناس بودن احتمالی، و پتانسیل برای پرداخت های خرد

کاربری: هنوز راه اندازی نشده یا به طور گسترده مورد استفاده قرار نگرفته است

پذیرش: بدون استفاده بین المللی برنامه ریزی شده است

**پ- پروژه یوبین سنگاپور که در مرحله اثبات مفهومی برای یک ارز دیجیتال ملی است که توسط اداره پولی سنگاپور (MAS) توسعه یافته است.**

صادر شده توسط: مقام پولی سنگاپور (MAS)

راه اندازی: ۲۰۱۶ (اثبات مفهوم)

ویژگی ها: معماری غیرمتمرکز، مبتنی بر بلاک چین و تراکنش های ناشناس

کاربری: استفاده محدود در سنگاپور برای اهداف خاص، مانند پرداخت های بین المللی

پذیرش: برخی از منافع بین المللی و مشارکت با سایر کشورها



ت-دلار باهاما که یک ارز دیجیتال ملی است که توسط بانک مرکزی باهاما در سال ۲۰۲۰ معرفی و راه اندازی شد.

راه اندازی: ۲۰۲۰

ویژگی ها: معماری غیر متمرکز، تراکنش های ناشناس، و تسویه حساب فوری

کاربری: به طور گسترده برای معاملات شخصی و تجاری در باهاما در دسترس است

\* پذیرش: برخی از منافع بین المللی و مشارکت با سایر کشورها

در این مرحله از گزارش به طرح یک پرسش مهم می رسیم و آن این که برخورد کشورهای نخست اقتصاد جهان ( به جز چین) با ارز دیجیتال ملی در چگونه است؟

الف-ایالات متحده آمریکا ارز دیجیتال ملی راه اندازی نکرده است. با این حال، بحث هایی در مورد مزایای بالقوه دلار دیجیتال وجود داشته است. البته برخی از شرکت های آمریکایی با بانک های مرکزی خارجی برای پیدا کردن راه های استفاده از ارزهای دیجیتال برای تراکنش های بین المللی همکاری کرده اند.

ب-بریتانیا نیز ارز دیجیتال ملی خود را راه اندازی نکرده است. با این حال، بانک انگلستان تحقیقاتی در مورد این موضوع انجام داده است.

پ- جمهوری فدرال آلمان ارز تا کنون دیجیتال ملی ویژه خود را راه اندازی نکرده است. با این حال، بانک فدرال آلمان تحقیقاتی در مورد این موضوع انجام داده است.

ت- دولت ژاپن نیز ارز دیجیتال ملی را راه اندازی نکرده است. در این باره بانک ژاپن تحقیقاتی در مورد این موضوع انجام داده و علاقه خود را برای بررسی بیشتر این مفهوم ابراز کرده است.

نتیجه گیری: به نظر می رسد ریال دیجیتال می تواند این ظرفیت را داشته باشد که چشم انداز مالی را با فراهم کردن توسعه مالی بیشتر، بهبود کارایی پرداخت و افزایش امنیت تغییر دهند. با این حال، همچنین با عدم اطمینان نظارتی، ریسک تبدیل، بنگی، ریسک های فنی و نگرانی های مربوط به حفظ حریم خصوصی داده ها نیز همراه است. همانطور که کشورهای بیشتری توسعه ارزهای دیجیتال ملی خود را بررسی می کنند، رسیدگی به این چالش ها و اطمینان از اجرای موفقیت آمیز این ابزارهای مالی نوآورانه ضروری است. /

منبع: اخبار پولی مالی



# پنج پروژه بزرگ منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس آماده افتتاح است

■ درحاشیه بازدید ماهانه از پروژه‌های در حال ساخت منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس، محمدرضا پیرحسینلو، مدیرعامل این منطقه ویژه اقتصادی گفت: منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس یکی از قطب‌های مهم تولید در کشور است و در حال حاضر ۱۵ پروژه فعال زیرساختی در منطقه به ارزش سه هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان در دست اقدام است.

وی تصریح کرد: از این تعداد، پنج پروژه با درصد پیشرفت بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد آماده افتتاح است و البته پروژه پست مدولار شهید لشکری با قابلیت برق رسانی به چهار صنعت بزرگ مستقر در اولویت قرار دارد و به زودی افتتاح می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: از دیگر پروژه‌ها می‌توان به پروژه گازرسانی به نیروگاه‌های سایت میانی و احداث شبکه و ایستگاه تقلیل فشار سایت شمالی و میانی، پروژه تعمیرات اساسی پل دسترسی، آبگیر و اسکله منطقه ویژه، پروژه جمع‌آوری و هدایت سیلاب سایت شمالی، پروژه آبرسانی به شرکت‌های مستقر در سایت ۶۰۰ هکتاری و پروژه تکمیل و بازسازی ابنیه و کارهای عمرانی منطقه ویژه اشاره داشت.

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس افزود: همچنین ۲۲ شرکت با سرمایه‌گذاری چهار میلیارد و ۷۰۵ میلیون دلاری در منطقه فعالیت دارند که باید به این آمار، آمار ۵۲ شرکتی که در حال ساخت و نصب تجهیزات هستند نیز اضافه کنیم.

وی اضافه کرد: در مجموع سرمایه‌گذاری ترکیبی این شرکت‌ها به بیش از دو میلیارد ۳۱۳ میلیون دلار، دو میلیارد و ۴۷۰ میلیون یورو و چهارهزار میلیارد تومان می‌رسد.

وی در ادامه به نقش منطقه ویژه در حوزه اشتغال زایی اشاره کرد، گفت در حال حاضر ۱۴ هزار نفر بصورت مستقیم مشغول به کار هستند که با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و بهره‌برداری از پروژه‌ها این میزان اشتغال زایی به ۳۰ هزار نفر می‌رسد.

پیرحسینلو در پایان خاطرنشان کرد: امیدواریم با هم‌افزایی تمامی ارکان دخیل شاهد تحقق اهداف در سال ۱۴۰۳ و ارتقا عملکرد در تمامی بخش‌ها باشیم.

منبع: واحد خبر روابط عمومی ایمیدرو

# مرکز تبادل ارز

Iran Center of Exchange



گزارش:

# تقویت حکمرانی ارزی با

## ایجاد مرکز مبادله

■ هدف از اجرای سیاست تثبیت در حوزه ارز تقویت تنظیم‌گری و شأن حکمرانی بانک مرکزی در بازار ارز است و منطق اولیه ایجاد مرکز مبادله ارز و طلای ایران، نیز در همین راستا است.

در نشست تحلیلی - تخصصی «الزامات کارکرد موثر مرکز مبادله ارز و طلا در راستای تقویت حکمرانی سیاست‌های پولی» محمد شیرجیان، معاون اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ایران گفت: با توجه به آثار تحریم‌های ظالمانه بر حکمرانی بانک مرکزی در خصوص منابع و جریان بین‌المللی مبادلات ارزی کشور، مرکز مبادله ارز و طلای ایران با توجه به اقتضات تحریمی و با حضور همه بازیگران تشکیل شد تا مبادلات ارزی کشور در بستر یک نهاد شفاف و با قابلیت تنظیم‌گری برای مقام سیاست‌گذاری پولی و ارزی انجام شود.

وی افزایش شفافیت در معاملات ارزی برای بانک مرکزی به عنوان یک نهاد تنظیم‌گر ارزی را مهمترین دستاورد ایجاد این مرکز عنوان کرد و افزود: تسهیل‌گری برای ایجاد تعامل میان فعالان این عرصه و تقویت حکمرانی ارزی بانک مرکزی برای ایجاد تعادل در بازار ارز از دیگر اهداف ایجاد مرکز مبادله ارز و طلای ایران بود.

شیرجیان با بیان اینکه ایجاد مرکز مبادله ارز و طلا مبادلات ارزی کشور را یکپارچه کرد و بستر مناسبی برای مدیریت یکپارچه بازار طلا فراهم کرد گفت: براساس قانون پولی و

بانکی کشور بانک مرکزی مکلف به مدیریت همزمان بازار ارز و طلا است؛ چرا که رابطه همبستگی بالایی میان نرخ ارز و طلا وجود دارد.

معاون اقتصادی بانک مرکزی با تاکید بر ضرورت به رسمیت شناختن مجموعه ای از نیازهای ارزی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران گفت: در همین راستا برای تامین نیازهای خرد تالار خدماتی، برای تامین نیازهای تجاری تالار حواله و برای معاملات انواع شمش و سکه طلا تالار طلا ایجاد شده است و برای تامین نیازهای احتیاطی در مواجهه با نوسانات آتی نرخ ارز تالار مشتقات پیش بینی شده است و بسترهای فنی لازم برای پاسخگویی به این نیازها در حال ایجاد است.

شیرجیان در ادامه این نشست تخصصی با اشاره به اهداف بانک مرکزی درخصوص سیاست تثبیت گفت: هدف از اجرای سیاست تثبیت تقویت تنظیم‌گری و شأن حکمرانی بانک مرکزی در بازار ارز است. در یک سال اخیر شاهد آن بودیم که نرخ سامانه نیما به صورت تدریجی و به گونه‌ای که برای بنگاه‌های اقتصادی قابل پیش بینی باشد، تعدیل شد و از سوی دیگر سهم ارز اشخاص نیز که به صورت توافقی بین صادرکننده و تولیدکننده تعیین می‌شود، در تامین نیازهای ارزی کشور افزایش یافت.

معاون اقتصادی بانک مرکزی در ادامه با اشاره به کاهشی شدن شاخص‌ها و متغیرهای پولی اثرگذار بر تورم طی دو سال گذشته و تاکید بر اینکه ما باید از چرخه معیوب و افزایشی تورم و نقدینگی که از سال‌ها پیش، کشور را درگیر خود کرده بود خارج می‌شدیم تصریح کرد: الحمدلله این اتفاق مثبت هم اکنون رخ داده است زیرا در بین متغیرهای سیاستی، کنترل رشد نقدینگی مهمترین الزام برای کنترل تورم و ثبات اقتصاد کلان محسوب می‌شود. بر این اساس، بانک مرکزی با پیگیری جدی سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه (کنترل قدرت خلق پول بانک‌ها) و جریمه بانک‌های متخلف، در نهایت توانست نرخ رشد نقدینگی را از ۳۱,۱ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ به ۲۴,۳ درصد در پایان سال ۱۴۰۲ کاهش دهد و رشد ۲۵ درصدی نقدینگی هدفگذاری شده برای سال ۱۴۰۲ را بطور کامل محقق نماید.



شیرجیان همچنین گفت: نرخ رشد پایه پولی نیز که در پایان سال ۱۴۰۱ متاثر از سیاست افزایش نرخ سپرده قانونی بانک مرکزی به رقم ۴۲,۳ درصد رسیده بود، در پایان سال ۱۴۰۲ به رقم ۲۸,۱ درصد کاهش یافت.

وی با اشاره به برنامه های هدفگذاری شده بانک مرکزی برای مهار تورم گفت: بر اساس آمار بانک مرکزی، تورم نقطه به نقطه شاخص بهای مصرف کننده با ۱۸,۴ واحد درصد کاهش از ۴۹,۴ درصد در بهمن ماه ۱۴۰۱ به ۳۱ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ رسیده است. تورم سالیانه مصرف کننده نیز با ۷,۱ واحد درصد کاهش از ۴۴,۱ درصد در بهمن ماه ۱۴۰۱ به ۳۷ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ کاهش یافته است.

شیرجیان با اشاره به نرخ تورم تولیدکننده ۱۰,۷ درصدی در شهریور ماه ۱۴۰۱ اظهار داشت: تورم نقطه به نقطه تولیدکننده به عنوان یک شاخص پیش‌نگر از ۴۱ درصد اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به ۲۳,۳ درصد در اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ کاهش یافته است. تورم دوازده‌ماهه شاخص بهای تولیدکننده نیز که اسفند ۱۴۰۰ در رقم ۶۰,۹ درصد بود در اسفند ۱۴۰۱ به ۳۶,۹ درصد و در اسفند ۱۴۰۲ نیز به رقم ۳۲,۶ درصد کاهش یافت.

معاون اقتصادی بانک مرکزی در ادامه، رشد پول را نشانگر رشد انتظارات تورمی برشمرد و گفت: کنترل رشد بخش سیال نقدینگی یا همان پول که نمادی از انتظارات تورمی در جامعه است از برنامه های بانک مرکزی بود. این نرخ در بین تمام کل های پولی همبستگی بسیار بالایی با تورم در کوتاه مدت دارد و با مجموعه اقدامات در قالب سیاست تثبیت و کنترل نوسانات بازار ارز در بانک مرکزی، شاخص رشد پول از ۶۵,۲ درصد در

پایان سال ۱۴۰۱ به ۱۷,۵ درصد در پایان سال ۱۴۰۲ و ۱۵,۷ درصد در پایان فروردین ماه ۱۴۰۳ رسیده است.

شیرجیان علت اصلی کاهش قابل ملاحظه شاخص بهای تولید کننده را مدیریت نرخ ارز عنوان کرد و گفت: بر اساس بررسی های انجام شده میان نرخ ارز مرکز مبادله ارز و طلا یا همان نرخ سامانه نیما (ETS) و شاخص بهای تولید کننده تقریباً همبستگی ۸۰ درصدی وجود دارد؛ لذا با مدیریت نرخ ارز و کاهش تورم تولیدکننده بستر لازم برای پیش بینی پذیر کردن و برنامه ریزی در نظام تولیدی کشور بهتر فراهم می شود و با کاهش تورم طرف عرضه متعاقباً با یک تاخیر زمانی اثر خود را بر کاهش شاخص بهای مصرف کننده نشان خواهد داد.

وی خاطرنشان کرد: سیاست تثبیت اقتصادی تنها وابسته به اقدامات بانک مرکزی نیست بلکه این یک رویکرد سیاستی جامع است و اثربخشی آن مستلزم سیاست‌های مالی غیر تورم زا و التزام به انضباط بخشی بودجه توسط دولت نیز هست. البته سیاست های پولی نیز باید کمک کند که حداقل در کوتاه مدت در قالب سیاست انقباضی و در همان حال با هدایت اعتبارات به سمت بخش های مولد اولویت دار و در واقع تأمین مالی هدفمند بخش های تولیدی، منجر به اثربخشی بیشتر سیاست تثبیت از طریق مرکز مبادله ارز و طلا ی ایران شود.





شیرجیان در ادامه با اشاره به برخی مطالب مطرح شده در زمینه ارتباط تضعیف ارزش پول ملی و افزایش رقابت‌پذیری و ایجاد مزیت رقابتی برای محصولات کشور در بازارهای صادراتی تاکید کرد: به هیچ وجه اینگونه نیست؛ چراکه زمانی تضعیف ارزش پول ملی منجر به افزایش رقابت‌پذیری و افزایش صادرات به کشورهای هدف می‌شود که شاخص "مارشال لرنر" یا همان مجموع کشش صادرات و کشش واردات به نرخ ارز بزرگ‌تر از یک شود. در این شرایط با افزایش نرخ ارز، می‌توان انتظار داشت خالص تراز حساب کالا مثبت تر می‌شود؛ اما برپایه مطالعات انجام شده، این شاخص در ایران کمتر از یک است.

معاون اقتصادی بانک مرکزی با بیان اینکه هم اکنون حدود ۹۰ درصد ترکیب واردات کشور اختصاص به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای دارد، تصریح کرد: این امر بدین معناست که کشش واردات نسبت به تغییرات نرخ ارز به شدت پایین است. یعنی هر چه نرخ ارز افزایش یابد، هزینه تولیدکنندگان برای تامین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای افزایش می‌یابد در حالی که تقاضا برای این اقلام به میزان محسوسی کاهش پیدا نمی‌کند. به عبارت دیگر کشش پذیری واردات نسبت به تغییرات نرخ ارز پایین است؛ بنابراین هزینه تمام شده تولید کشور به شدت به نرخ ارز وابستگی مستقیم معناداری دارد و با افزایش این نرخ مزیت و قدرت رقابتی تولیدکنندگان کشور در بازارهای داخلی و خارجی تضعیف می‌شود.

وی افزود: در عین حال بیش از ۷۰ درصد ترکیب صادرات کشور، مشتمل بر مواد خام و محصولات پایه ای همچون کانی‌های معدنی، فولاد، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی است. لذا محصولات صادراتی کشور پیچیدگی بالایی ندارد که با افزایش نرخ ارز مزیت رقابتی آن‌ها در بازارهای هدف افزایش دهد؛ در واقع دلیل ماهیت کنونی کالاهای صادراتی، در مجموع صادرات کشور در حال حاضر سقف مشخصی دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که شاخص "مارشال لرنر" در ایران کمتر از یک باشد و لذا افزایش نرخ ارز لزوماً تأثیری بر خالص تجارت کالایی کشور ندارد.

# طرح نیلوفر

وام ۴٪ بر پایه حساب قرض الحسنه



بانک سینا

# گهرزمین

نبض تپنده تولید و توسعه



(سهامی عامه)  
شرکت سگ آهن گهر زمین  
روابط عمومی و امور بین الملل  
Goharzamin Iron Ore Co.

